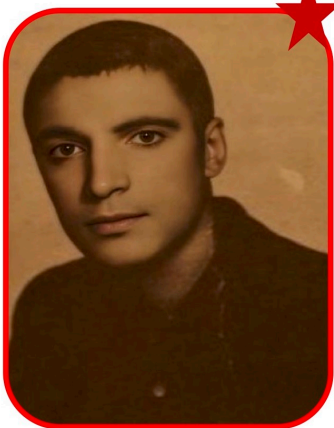


درباره زندگی رفیق خسرو تره‌گل



درباره زندگی رفیق خسرو ترگل

فدایی خلق، رفیق خسرو ترگل کمونیست جوان پیگیری بود که زندگی‌اش را کاملاً در خدمت مبارزه برای تحقق آرمان‌های انقلابی طبقه کارگر قرار داده بود. او در بهار ۱۳۳۴ در شهر بروجرد در یک خانواده‌ی رنج‌پسیده و زحمت‌کش چشم به جهان گشود و چون خانواده‌اش از بروجرد به همدان نقل مکان کردند، مدت زیادی از زندگی کوتاهش را در این شهر گذراند. زندگی رفیق خسرو ترگل واقعا کوتاه بود؛ چرا که رژیم ددمنش شاه در حالی که تنها بیست بهار از زندگی او گذشته بود، وی را به همراه رفیق حسین سلاحتی به جوخه‌ی اعدام سپرد و خبر ریختن خون این فرزند دلیر مردم ایران را در ۳۱ خرداد ۱۳۵۴ با درج خبر کوتاهی در روزنامه‌های جیره‌خوارش اعلام نمود.

رژیم دیکتاتور و وابسته به امپریالیسم شاه که هیچ صدای مخالفی را بر نمی‌تابید در شرایطی رفیق خسرو را در بیست سالگی تیرباران نمود که وی در خرداد ۱۳۵۳ در همدان دستگیر و پیش از مرگ توسط درّخیمان رژیم شاه به طور وحشیانه شديدا شکنجه شده بود. یکی از شکنجه‌های اعمال شده به این جوان انقلابی این بود که شکنجه‌گران، وی را روی تخت فلزی خوابانده و با گذاشتن یک دستگاه سوزاننده (هیتر) زیر تخت برای مدت طولانی بدن او را سوزاندند. به گفته دوستان رفیق خسرو در زندان قصر، شدت زخمهای ایجاد شده در بدن وی به حدی بود که حتی بعد از گذشت یکسال باز هم وی مجبور بود بطور مرتب جای سوختگی‌های بدنش را پانسمان کند.

رفیق خسرو همراه با رفیق حسین سلاحتی از جمله جوانان انقلابی‌ای بودند که با شروع جنبش مسلحانه به حمایت از این جنبش و چریک‌های فدایی خلق برخاسته بودند. هر دو این رفقا تجربه دیکتاتوری خون‌آشام شاه را در زندگی خود داشتند. چرا که این رژیم، عزیزان هر یک از آنها را در سال خونین ۵۰ تیرباران و یا در درگیری کشته بود. رفیق حسین برادر رفقا جواد و کاظم سلاحتی بود و رفیق خسرو، فامیل کارگر انقلابی هوشنگ ترگل بود که در ارتباط با گروه آرمان خلق در ۱۷ مهرماه سال ۱۳۵۰ تیرباران شده بود. چریک فدایی خلق رفیق جواد سلاحتی در فروردین سال ۵۰ در جریان پخش اولین اعلامیه‌های چریک‌های فدایی خلق در تهران به شهادت رسیده بود و چریک فدایی خلق رفیق کاظم سلاحتی پس از دستگیری و تحمل شکنجه همراه با رفیق احمد خرم آبادی در تیرماه سال ۱۳۵۰ توسط درّخیمان رژیم شاه تیرباران شده بود.

رفقا خسرو ترگل و حسین سلاحتی از جمله انقلابیونی بودند که پس از آغاز جنبش مسلحانه در فضای انقلابی‌ای که با این جنبش در جامعه به وجود آمد خود را متعهد می‌دیدند که به هر طریق ممکن به تداوم و پیشروی جنبش مسلحانه که آن را به حق در خدمت رهایی توده‌ها می‌دانستند خدمت کنند. واقعیت این است که با آغاز جنبش مسلحانه فضای سیاسی

جامعه تحت تاثیر این جنبش دگرگون شد. شور و شوق مبارزاتی جای رکود و خمود قبلی بر مبارزات توده‌ها را گرفت و به تدریج دو مطلق حاکم بر روحیات توده‌ها که به قول رفیق امیرپرویز پویان ضعف خود را مطلق و قدرت دشمن را نیز مطلق تصور می‌کردند، جای خود را به اعتراض و مبارزه داد. در همان سال ۵۰ فضای مبارزاتی، قبل از همه در دانشگاه‌ها و در میان روشنفکران انقلابی نمود آشکار یافت. اما دیری نپایید که جوانان آزادی‌خواه و مبارز بسیاری از میان خانواده‌های زحمتکش و آگاه به سوی جنبش مسلحانه روی آوردند. به تدریج گروه‌های کوچکی شکل گرفتند که ضمن تلاش برای ارتباط با انقلابیون مسلح، خود مستقلاً به مبارزه مسلحانه با رژیم مبادرت می‌نمودند. برخی از این جوانان در راهی که چریک‌های فدایی خلق بنیان گذاشته بودند گام برداشتند، رفیق خسرو از جمله چنین انقلابیونی بود.

رفیق خسرو ترگل در اوایل سال ۱۳۵۲ با رفیق حسین سلاحی در همدان آشنا شد و این آشنایی به تشکیل گروه کوچکی جهت مبارزه با رژیم دیکتاتور شاه منجر شد. این رفقا به طور پیگیر با مطالعه آثار مارکسیستی و انقلابی به بالا بردن سطح آگاهی خود پرداخته و با ترتیب دادن برنامه‌های کوفوردی در کوه‌های سرکش همدان به خوسازی می‌پرداختند. آنها در جریان این مطالعات و فعالیت‌ها به این نتیجه می‌رسند که برای ادامه مبارزه حتماً باید با چریک‌های فدایی خلق ارتباط بگیرند. در این مقطع آنها به فکر ربودن یک هواپیما در مسیر مشهد-تهران می‌افتند که با بردن آن به یک کشور خارجی بتوانند خواهان آزادی تعدادی از زندانیان سیاسی شوند و هم در خارج از کشور امکان ارتباط با تشکیلات چریک‌های فدایی خلق را پیدا نمایند. با چنین فکری این دو یار انقلابی برای تهیه تدارکات لازم، مصادره یک بانک را در دستور کار خود قرار می‌دهند و بانک صادرات شعبه جهان‌نما در همدان را برای این منظور شناسایی می‌کنند. متأسفانه طرح مصادره بانک با موفقیت توأم نمی‌شود.

واقعیت این است که انقلابیون در سال ۵۰ با کمترین امکانات موجود به وظیفه انقلابی‌ای که تاریخ بر عهدشان قرار داده بود عمل می‌کردند. این رفقا نیز سلاح درست و حسابی در اختیار نداشتند و خود اقدام به درست کردن نارنجک کردند. در این مقطع، آنها در خانه امنی که داشتند به دلیل اشتباه، نارنجک دست‌سازشان منفجر می‌شود. در نتیجه مجبور به ترک خانه و رفتن به مشهد می‌شوند.

دو رفیق مصمم برای تداوم مبارزه‌ی مسلحانه علیه رژیم دیکتاتور شاه که به حق آن را عامل فقر و بدبختی توده وسیع مردم ایران می‌دانستند، در مشهد با مادر سلاحی تماس می‌گیرند و این مادر زحمتکش و آگاه با از خودگذشتگی تمام برای آنها پول تهیه کرده و قول تهیه شناسنامه برای حرکت‌های بعدی را به آنها می‌دهد. در این فاصله رفیق خسرو به تهران رفته و خانگی اجاره می‌کند اما به دلیل عدم داشتن تجربه نسبت به تاکتیک‌ها و اعمال دشمن، به همدان می‌رود تا از خانگی که به دلیل انفجار نارنجک آنجا را ترک کرده بودند وسایلی را برای خانه جدید به تهران بیاورد. در حالی که با توجه به انفجاری که در آن خانه صورت گرفته بود پای ساواک به آن خانه باز شده و ماموران ساواک در آنجا کمین کرده بودند. بنابراین اقدام اشتباه رفیق خسرو در رجوع به خانه‌ی مذکور باعث می‌شود که وی در آنجا دستگیر شود.

به دنبال دستگیری رفیق خسرو درخیمان ساواک وی را زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار می‌دهند. ساواک حتی تهرانی (بهمن نادری‌پور)، شکنجه‌گر معروف را از تهران به همدان می‌فرستد تا بر شکنجه‌ی رفیق خسرو نظارت کند و از تجربیاتش در امر شکنجه بتواند به اطلاعات او دست یابد. جسارت و بی‌باکی رفیق خسرو تا آن حد بود که علی‌رغم همه‌ی شکنجه‌هایی که متحمل شده بود در جریان برده شدن به دادرسی ارتش و بیدادگاه‌های دیکتاتوری رژیم سلطنتی، یکبار خود را از یکی از پنجره‌های ساختمان دادرسی ارتش به بیرون پرتاب نمود. در جریان این امر با این که زخمی شده بود مبادرت به فرار نمود. اما به دلیل این که لباس زندان را به تن داشت و محل را نیز به درستی نمی‌شناخت پس از عبور از نرده‌های دادرسی ارتش دستگیر گردید. او را به کمیته شهریانی که یکی از شکنجه‌گاه‌های رژیم شاه بود بردند و نزدیک به یک ماه او را تحت شکنجه و اذیت و آزار قرار دادند. تا این که خبر اعدام وی را در تاریخ ۳۱ خرداد سال ۱۳۵۴ در روزنامه خود اعلام کردند.

با اعدام رفیق خسرو طبقه کارگر یکی از فرزندان مبارز خود و جنبش مسلحانه یکی از پرشورترین یاران خویش را از دست دادند.

یاد رفیق خسرو ترکل گرامی و راهش پر رهرو باد!